

تأثیرات سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی عراق

محمد نادری^۱، *مهناز گودرزی^۲، مجید توسلی رکن‌آبادی^۳، سید جواد امام جمعه‌زاده^۴

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

۳. دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۴. دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۱ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۴ مهر ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

آب، نقشی حیاتی و اهمیتی راهبردی در محیط زیست، توسعه اقتصادی پایدار، حیات فرهنگی و اجتماعی، منافع سیاسی و امنیتی و در مجموع قدرت ملی و توسعه پایدار دارد. کمبود آب، رقابت بر سر دستیابی، تصاحب و تسلط بر این عنصر حیاتی به‌ویژه در شیوه و میزان بهره‌برداری از منابع آبی مشترک را تشدید کرده است. سدسازی‌های ترکیه بر دجله و فرات، تأثیرات گسترده‌ای بر محیط زیست، سلامت، معیشت و امنیت ساکنان منطقه و کشورهای تأثیرپذیر داشته و به مهاجرت، خشک‌شدن تالابها، بیابان‌زایی و بروز ناآرامی‌ها منجر شده است. عراق به‌دلیل محدودیت‌های ژئوپلیتیکی، آسیب‌پذیرترین کشور منطقه در بحران آب است. دجله و فرات، اصلی‌ترین منبع تامین نیازهای آبی این کشور است. ترکیه با برخورداری از موقعیت بالادستی در حوضه آبریز دجله و فرات، ۱۴ سد بر فرات و ۸ سد روی دجله ساخته است. هدف پژوهش تبیین تأثیرات سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی عراق است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که سدسازی‌های ترکیه چه تأثیراتی بر امنیت ملی عراق بر جای گذاشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، سدسازی‌های ترکیه، علاوه بر نابودی بخش قابل توجهی از پوشش گیاهی و زمین‌های کشاورزی، زیان‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی، تالاب‌های منطقه میان‌رودان را با خطر نابودی مواجه و به مرکز اصلی شکل‌گیری و انتقال ریزگرد تبدیل و به معضلات زیست‌محیطی منطقه و کشورهای تأثیرپذیر، به‌ویژه عراق منجر شده است؛ این سدسازی‌ها «تهدید وجودی» عراق است. اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از اسناد، کتب، مقالات، رسانه‌ها و منابع الکترونیکی گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها:

امنیت زیست محیطی،
امنیت ملی عراق، بحران
کم‌آبی، دجله و فرات،
سدسازی‌های ترکیه.

* نویسنده مسئول:

دکتر مهناز گودرزی

نشانی:

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده
علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد
اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
پست الکترونیکی:

m.goodarzi@khuif.ac.ir

استناد به این مقاله:

نادری، محمد و گودرزی، مهناز و توسلی رکن‌آبادی، مجید و امام جمعه‌زاده، سید جواد. (۱۴۰۲). تأثیرات سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی عراق. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۵(۴)، ۱۸۹-۲۱۳.

۱. مقدمه

عراق از منظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در تنگنا قرار دارد و در دسترسی به آب‌های آزاد و رودهای بین‌المللی با محدودیت‌های جغرافیایی کم‌نظیری مواجه است. محیط زیست، توسعه اقتصادی پایدار، توسعه فرهنگی، اجتماعی، ثبات سیاسی و امنیتی کشورهای ذی‌نفع از رودهای بین‌المللی تا حد قابل توجهی به این رودها وابسته است. در حوضه آبریز دجله و فرات، وابستگی هیچ کشوری در حد وابستگی عراق به این رودهای بین‌المللی نیست. دجله و فرات، اصلی‌ترین منبع تأمین نیازهای آبی این کشور است که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند. حوضه آبریز دجله و فرات مهم‌ترین حوضه آبریز در خاورمیانه است؛ مناقشه بر سر شیوه و میزان بهره‌برداری سه کشور ساحلی (ترکیه، عراق و سوریه) که برآمده از تجزیه دولت عثمانی هستند، سابقه‌ای طولانی دارد. در این حوضه آبریز، مسائلی مانند توزیع نامتوازن جغرافیایی منابع آبی، پیامدهای تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های پیاپی، تمایل کشورهای این منطقه به توسعه سریع در بخش‌های کشاورزی و صنعتی، هدررفت آب به‌ویژه در بخش کشاورزی سنتی (غرق‌آبی) و راه‌اندازی صنایع آب‌بر، کاهش سطح رودهای بین‌المللی و بهره‌برداری بی‌رویه از آب‌های سطحی و زیرزمینی مشترک مرزی به رقابت بر سر دستیابی، شیوه و میزان بهره‌برداری و تسلط بر منابع آبی مشترک منجر شده است.

ترکیه با اجرای طرح گپ، ۱۴ سد بزرگ بر سرشاخه‌های فرات و ۸ سد بزرگ بر سرشاخه‌های دجله ساخته است. در پی بهره‌برداری ترکیه از سد آتاتورک (بزرگ‌ترین سد ترکیه) در سال ۱۹۹۲، موضوع «امنیت زیست‌محیطی» از مهم‌ترین نگرانی‌های کشورهای تأثیرپذیر به‌ویژه عراق بوده است. در پی بهره‌برداری از این سد بزرگ و ۱۳ سد دیگر و نیز ساخت سه سد از سوی سوریه، جریان فرات به عراق در سال‌های اخیر حدود ۹۰ درصد کاهش یافته است. سد ایلیسو، (دومین سد بزرگ ترکیه) بر رود دجله ساخته شده است و در صورت بهره‌برداری کامل از ظرفیت این سد، جریان طبیعی دجله به عراق حدود ۵۶ درصد کاهش می‌یابد.

با تکمیل طرح گپ، ترکیه می‌تواند بیش از متوسط آورد سالانه، جریان طبیعی دجله و فرات در خاک این کشور را کنترل کند. سدسازی‌های ترکیه به بروز مشکلات گسترده در ابعاد گوناگون در منطقه و کشورهای تأثیرپذیر به‌ویژه عراق به دلیل قرارگرفتن در پایین دست حوضه آبریز دجله و فرات منجر شده است و محیط‌زیست، حیات فرهنگی و اجتماعی، توسعه اقتصادی پایدار و ثبات

سیاسی و امنیتی این کشور را به دلیل وابستگی شدید به این رودها تا حد قابل توجهی به خطر انداخته است. اجرای طرح گپ، مناقشات سیاسی و بحران‌های اجتماعی ناشی از کمبود، تغییر و تخریب عناصر زیست‌محیطی را تشدید و احتمال تبدیل مناقشات به درگیری‌های خشونت‌آمیز کشورهای ذی‌نفع از دجله و فرات با ترکیه به‌ویژه عراق و ترکیه را تقویت کرده است.

هدف این پژوهش، تبیین تأثیرات سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی عراق است. این پژوهش از این نظر اهمیت دارد که ایران پس از عراق و سوریه، سومین کشور زیان‌دیده از سدسازی‌های ترکیه است، زیرا عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر منافع و امنیت ملی عراق به‌عللی مانند مرز طولانی، اشتراکات فرهنگی، تاریخی، مذهبی، مبادلات تجاری و اقتصادی قابل توجه و منافع سیاسی و امنیتی، تأثیرات مشابه و گسترده‌ای بر منافع و امنیت ملی ایران دارد. ایران در عراق منافع حیاتی دارد و در تأمین منافع و امنیت ملی ایران، در بین کشورهای همسایه، هیچ کشوری به‌مانند عراق، تأثیر نمی‌گذارد؛ از این رو، تهدید منافع حیاتی عراق، تهدید منافع حیاتی ایران است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی تلاش می‌کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که سدسازی‌های ترکیه بر رودهای دجله و فرات چه تأثیراتی بر امنیت ملی عراق داشته است؟ فرضیه پژوهش بر این محور استوار است که ترکیه با سدسازی‌های گسترده بر سرشاخه‌های رودهای بین‌المللی دجله و فرات به کنترل منابع تولید قدرت، اقدام کرده و سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه مبتنی بر هژمونی طلبی منطقه‌ای را اجرایی کرده است. این کشور کوشیده است، سیاست‌های توسعه‌طلبانه را با هدف تقویت و دائمی‌کردن «موقعیت ژئوپلیتیکی» در جریان تعامل و ستیز با کشورهای ذی‌نفع از دجله و فرات به‌ویژه عراق در موضوعات اقتصادی، سیاسی و امنیتی به‌عنوان ابزار فشار در مذاکرات و شیوه و میزان بهره‌برداری از این رودها استفاده کند. سیاست سدسازی‌های ترکیه بر دجله و فرات، متغیر مستقل و امنیت ملی عراق، متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی درباره تأثیرات سدسازی‌ها بر رودهای دجله و فرات انجام شده است. چند نمونه از نزدیک‌ترین آن‌ها به لحاظ موضوعی با پژوهش حاضر را می‌بینیم. فرهادی (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه (گپ) بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» تأثیرات طرح گپ بر منطقه و کشورهای ذی‌نفع از رودهای دجله و فرات و

به‌ویژه تأثیرات این طرح بر امنیت ملی ایران را بررسی کرده است. به‌نظر او به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران و هم‌جواری آن با کشورهای بحران‌زده‌ای مانند عراق، امنیت ملی ایران در معرض تهدیدهای قابل توجهی قرار گرفته است. او به این نتیجه رسیده است که طرح آناتولی جنوب شرقی ترکیه، از نوع تهدیدهایی است که امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده و با تکمیل این طرح، تالاب هورالعظیم (تالاب بزرگ مرزی ایران و عراق)، نابود و علاوه بر بخش‌های گسترده‌ای از عراق، نواحی غرب ایران با فاجعه‌ای زیست‌محیطی مواجه می‌شود. تفاوت‌های پژوهش حاضر با این مقاله، تبیین ماهیت سیاست خارجی ترکیه و پیامدهای سلطه و کنترل منابع حیاتی و راهبردی منطقه و کشورهای تأثیرپذیر از دجله و فرات به‌ویژه عراق است.

اسداللهی و ذکی (۱۳۹۹) در مقاله «هیدروپلیتیک طرح گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه» پیامدهای زیست‌محیطی سدسازی‌های ترکیه در کشورهای عراق و سوریه را بررسی کرده‌اند. به‌نظر نویسندگان مقاله، تصور عراق و سوریه از سیاست‌های آبی ترکیه، تسلط این کشور بر رودهای دجله و فرات و دستیابی به سلاحی است که به‌واسطه آن سوریه و عراق در موقعیت آسیب‌پذیری قرار گیرند. آن‌ها معتقدند، در سال‌های اخیر، آب علاوه بر تأثیرگذاری بر محیط زیست، توسعه اقتصادی و اجتماعی از وزن سیاسی بالایی به‌عنوان مرجع قدرت برخوردار شده است. به‌نظر آن‌ها سدسازی‌های بی‌رویه ترکیه، آینده نگران‌کننده‌ای برای کشورهای پایین‌دست رودها به‌ویژه عراق و سوریه رقم زده است. او به این نتیجه رسیده است که ترکیه با اجرای طرح گپ به‌دنبال ایجاد هژمونی در حوضه آبریز دجله و فرات است. تفاوت‌های پژوهش حاضر با این مقاله، تبیین نقش ظرفیت‌های داخلی، نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و سازمان ملل متحد در وادار کردن ترکیه به رعایت حقوق و حقایق، کشورهای پایین‌دست دجله و فرات به‌ویژه عراق (آسیب‌پذیرترین کشور از سدسازی‌های ترکیه) است.

میان‌آبادی و امینی (۱۳۹۸) در مقاله «درهم‌تنیدگی آب، سیاست و محیط‌زیست در حوضه آبریز دجله و فرات» در هم‌تنیدگی‌های تاریخی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی حوضه آبریز دجله و فرات به‌عنوان بزرگ‌ترین حوضه آبریز فرامرزی خاورمیانه را بررسی کرده‌اند. نویسندگان مقاله، ماهیت سیاست سدسازی‌های ترکیه و ظرفیت‌های ایجادشده از سوی این کشور برای کنترل منابع حیاتی و راهبردی منطقه و کشورهای تأثیرپذیر از دجله و فرات را با ارائه آمار تشریح کرده‌اند و نسبت به تبدیل مناقشات از فاز فنی و سیاسی به فاز نظامی

و امنیتی هشدار داده‌اند. تفاوت‌های پژوهش حاضر با این مقاله، تبیین پیامدهای بهره‌برداری کامل ترکیه از ظرفیت سد ایلیسو بر امنیت زیست‌محیطی منطقه و کشورهای تأثیرپذیر از رود دجله با خشک‌شدن بخش‌های گسترده‌تری از مهم‌ترین تالاب خاورمیانه (هورالعظیم) بر امنیت ملی عراق و ایران است.

المقدادی و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «اختلاف بر سر مدیریت منابع آبی عراق و ترکیه» ابعاد و جنبه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی مناقشات ترکیه و عراق را با تأکید بر نقش دجله و فرات بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کمبود منابع آبی به تهدیدی بزرگ علیه امنیت ملی عراق تبدیل شده است. آن‌ها ضمن تأکید بر نقش و اهمیت رو به رشد سهم آب در مناقشات موجود، تعامل و انعقاد توافق‌نامه‌های دوجانبه بین عراق و ترکیه و تأسیس شورای امنیت آب در عراق را پیشنهاد داده‌اند. تفاوت‌های پژوهش حاضر با این مقاله، تبیین محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی عراق در برابر ترکیه در بهره‌برداری از رودهای دجله و فرات است.

حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تأثیر عوامل سیاسی در تشدید پدیده گرد و غبار در حوضه رودخانه‌ای دجله و فرات» تأثیرات مؤلفه‌های سیاسی و نظامی بر شکل‌گیری و تشدید پدیده گرد و غبار و ریزگرد در منطقه تأثیرپذیر از دجله و فرات را بررسی کرده‌اند. به نظر آن‌ها، جنگ و درگیری نظامی، ضعف مدیریت سیاسی فضا و شرایط امنیتی و سیاسی به افزایش و گسترش کانون‌های شکل‌گیری گرد و غبار در منطقه و کشورهای تأثیرپذیر از دجله و فرات منجر شده است. تفاوت‌های پژوهش حاضر با این مقاله، تبیین تأثیرات سدسازی‌های بی‌رویه ترکیه بر محیط‌زیست، امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کشورهای تأثیرپذیر به‌ویژه عراق است.

در این پژوهش، ضمن استفاده از پژوهش‌های پیشین با طراحی مدل تلفیقی از نظریه‌های بوزان، هومر دیکسون، مکیندر و راتزل می‌کوشیم، تأثیرات سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی عراق را تبیین کنیم که پژوهش حاضر را با پژوهش‌های پیشین متفاوت می‌کند.

۳. چارچوب نظری

بوزان معتقد است، امنیت در سطوح فردی، ملی و بین‌المللی از مهم‌ترین مسائل اساسی بشر است. در این میان، امنیت ملی حالت محوری دارد، زیرا دولت‌ها بر بسیاری از شرایطی که

تعیین‌کننده امنیت در دو سطح دیگر است، مسلط هستند (Bozan, 2018: 13). در موضوع امنیت، بحث کلی درباره پیگیری رهایی از تهدید است. موضوع اصلی، بقاست، اما بحث به طور معقول دربرگیرنده زنجیره گسترده‌ای از مسائل مرتبط با شرایط موجودیت است؛ در نظام بین‌المللی، واحد استاندارد امنیت، دولت دارای حاکمیت و قلمرو است. حال که دولت‌ها واحدهای مسلط هستند، امنیت ملی نیز مسئله محوری و اصلی واحدهای فرهنگی و قومی است. از آنجا که برخی تهدیدهای نظامی و زیست‌محیطی بر شرایط بقای کل کره زمین اثرگذارند، این احساس مهم وجود دارد که امنیت با کل جامعه بشری مرتبط است (Bozan, 2018: 32-33).

۳-۱. ابعاد پنج‌گانه نظریه امنیت بوزان

به نظر بوزان، امنیت اجتماعات انسانی پنج بُعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد. امنیت نظامی با تأثیرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از اهداف یکدیگر مرتبط است. امنیت سیاسی با ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی مرتبط است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. امنیت اقتصادی با دسترسی به منابع، امور مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت مرتبط است. امنیت اجتماعی با قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مرتبط است و امنیت زیست‌محیطی با حفاظت از محیط محلی جهانی به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی ابعاد حیات بشری بدان متکی است، مرتبط است. ابعاد پنج‌گانه امنیت، مستقل از یکدیگر عمل نمی‌کنند و هر یک، نقش کانونی قابل توجهی در درون مسئله امنیت دارند و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده است که با ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند (Bozan, 2018: 33-34).

ملاحظات امنیت ملی به تهدیدهایی اشاره دارد که چارچوب دولت را تحت تأثیر قرار داده و آن را به خطر می‌اندازد. هر نوع تهدیدی که علیه سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت یک کشور ایجاد شود، تهدید علیه امنیت ملی آن کشور است؛ چهار عامل یادشده، عناصر تشکیل‌دهنده یک دولت و ارزش‌های حیاتی هر نظام سیاسی هستند (Gharayaghzandi & Shakeri, 2014: 71).

۳-۲. نظریه هومر دیکسون، امنیت زیست‌محیطی (درگیری)

به نظر هومر دیکسون، این شش تغییر زیست‌محیطی می‌تواند به منازعه بین گروه‌های سیاسی

و هویتی منجر شود: تغییرات آب و هوایی بر اثر انتشار گازهای گلخانه‌ای، تخریب لایه ازن، تخریب و نابودی زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی، تخریب و نابودی جنگل‌ها، کاهش و آلودگی منابع آب شیرین و کاهش ماهیگیری در پی تخریب شیلات. از بین این موارد، دسترسی به منابع آب شیرین و زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی، دو عامل اثرگذارتر محسوب می‌شوند. تغییر زیست‌محیطی، رشد جمعیت و توزیع اجتماعی نابرابر منابع، سه عامل عمده کمبود منابع تجدیدپذیر هستند. مفهوم «کمبود منابع زیست‌محیطی» دربرگیرنده هر سه عامل است. اصطلاح رایج «تغییر زیست‌محیطی» به کاهش کیفیت یا کمیت منابع تجدیدپذیر بر اثر فعالیت‌های انسانی اشاره دارد که معمولاً سریع‌تر از تجدید و احیای آن‌ها به‌واسطه فرایندهای طبیعی ایجاد می‌شود. تغییر زیست‌محیطی، تنها یکی از سه عامل اصلی کمبود منابع تجدیدپذیر است. عامل دوم، رشد جمعیت است که دسترسی سرانه به یک منبع را با تقسیم آن بین جمعیت بیشتر، کاهش می‌دهد و عامل سوم، توزیع اجتماعی نابرابر منابع است که منابع را در دسترس جمعیت معدودی متمرکز و طیف گسترده‌ای را با کمبود منابع روبه‌رو می‌کند. اصطلاح کمبود منابع زیست‌محیطی شرایطی را به وجود می‌آورد که سه عامل یادشده در یک تحلیل گنجانده شوند؛ شواهد تجربی نشان می‌دهد دو عامل نخست، زمانی بیشترین آسیب را در پی دارند که با عامل توزیع اجتماعی نابرابر منابع ترکیب شوند (Homer-Dixon, 1994: 6-7).

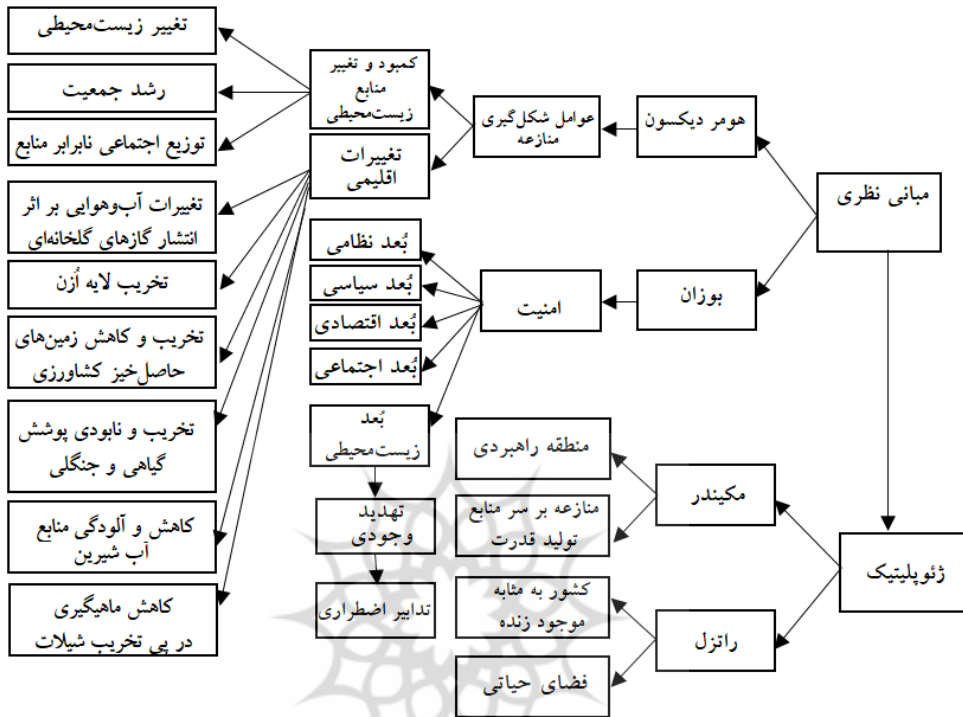
۳-۳. نظریه راتزل، کشور به‌مثابه موجود زنده

راتزل، کشورها را به‌مثابه موجودات زنده در نظر می‌گیرد که برای ادامه حیات، نیازمند تغذیه هستند؛ از نگاه او، دسترسی و کنترل میزان مشخصی از سرزمین، حکم تغذیه را برای دولت‌ها دارد. به نظر راتزل، کشورها ماهیتی رشدیابنده داشته و در موضوع توسعه و قدرت، مرزها کارکردی موقت دارند. همان‌طور که انسان‌ها روی زمین زندگی می‌کنند، کشورها نیز به‌عنوان موجودات زنده روی زمین از قوانین طبیعی تأثیر می‌پذیرند. وی کشور را به‌مثابه موجود زنده‌ای در نظر می‌گیرد که همانند موجودات زنده دیگر، برای تغذیه خود نیازمند میزان مشخصی از سرزمین است (Kavianirad & Buoy, 2012: 115). راتزل کشور را برای بقا و زنده ماندن، نیازمند فضا و منابع برای امنیت غذایی جمعیت می‌داند؛ به نظر وی، اگر کشوری از سوی همسایگان زیر فشار قرار نگیرد، به عبور از محدودیت‌ها و استقرار در مرزهای طبیعی خود تمایل می‌یابد (Hafeznia, 2014: 23-24).

۳-۴. نظریهٔ مکیندر، محور جغرافیایی تاریخ

مکیندر، ساختار فضایی کرهٔ زمین را به سه بخش تقسیم کرده است؛ در ساختار مورد نظر وی، «هارتلند» کانون و پس از آن به ترتیب «هلال داخلی» و «هلال خارجی» قرار دارند. به نظر مکیندر، کنترل و تسلط بر هارتلند از سوی هر قدرتی به‌ویژه قدرت زمینی، می‌تواند به تسلط بر جهان منجر شود. هارتلند به‌عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی می‌تواند به این معنی باشد که یک مکان یا فضای جغرافیایی از نظر نقش‌آفرینی سیاسی، آن‌چنان قوی عمل کند که بتواند سیاست‌های جهانی را تحت تأثیر قرار دهد یا بر فرایندهای سیاسی جهان اثر بگذارد و به آن‌ها شکل دهد، یا اینکه مدعیان قدرت در مقیاس‌های جهانی و منطقه‌ای برای کنترل و تسلط بر آن رقابت کنند تا بتوانند سلطه و اقتدار خود را بر سیاست‌های جهانی یا منطقه‌ای حفظ و تقویت کنند. مفهوم هارتلند هم به‌لحاظ اهمیت و نقش‌آفرینی سیاسی و هم به‌لحاظ تطبیق فضایی و مکانی در گذر زمان ثابت نبوده و متغیر است؛ بنابراین هارتلند به مفهوم فضای جغرافیایی، سیاست‌های جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و قابلیت نقش‌آفرینی سیاسی بسیار قوی در شکل‌گیری فرایندهای سیاسی جهان دارد و از نظر مکانی و فضایی به‌ویژه از اواخر دورهٔ جنگ سرد دچار تحول شده و در حال حاضر بر جنوب غرب آسیا تطبیق می‌کند. از این رو «هارتلند جدید» منطبق بر کشورهای پاکستان، افغانستان، ایران، عراق، کویت، ترکیه، سوریه، اردن، لبنان و مناطق شرق مدیترانه، قفقاز، خزر و خلیج فارس است (Hafeznia, 2007: 1-2).

در مناطق راهبردی، منابع و عناصر قدرتمندی وجود دارد که در حفظ هژمونی و گسترش نفوذ کشورهای قدرتمند، اثرگذار بوده و کاربست رویکردها و راهبردهای جامع در سیاست و روابط بین‌الملل از سوی قدرت‌ها نیز در راستای دستیابی و تسلط بر عناصر برخوردار از نقش و اهمیت راهبردی این مناطق است. جنوب غرب آسیا، منطقه‌ای راهبردی است؛ در این منطقه، حوضهٔ آبریز دجله و فرات، نقش و اهمیت دارد. ترکیه عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است و سیاست خارجی این کشور تا حد قابل توجهی هم‌سو با کشورهای غربی است. تقویت موقعیت ترکیه با سدسازی‌های گسترده بر دجله و فرات و سلطهٔ این کشور بر منابع حیاتی منطقهٔ راهبردی به نفع این کشور و متحدان غربی و به زیان کشورهای تأثیرپذیر از این رودها به‌ویژه عراق است.



شکل ۱: مدل تلفیقی از نظریه‌های بوزان، هومر دیکسون، مکیندر و راتزل
Source: Author

۴. آب و نقش آن در مناسبات ترکیه و عراق

خاورمیانه، منطقه‌ای خشک و نیمه‌خشک است و تأمین آب، یکی از مهم‌ترین معضلات کشورهای واقع در این منطقه است. امروزه، این معضل تاحدی جدی شده که «جنگ آب در خاورمیانه» مضمون اصلی ادبیات این حوزه را شکل داده است. آب، منبعی راهبردی است که رقابت بر سر آن از هر زمانی جدی‌تر شده است (Rahimi Ashtiani, 2018:6). در پی بروز پیامدهای تضعیف و تخریب عناصر زیست‌محیطی از میانه دهه ۱۹۸۰ امنیت ملی تعریف موسعی یافت تا چالش‌های زیست‌محیطی، قابلیت واکاوی در حوزه مطالعات امنیتی داشته باشند. امنیت زیست‌محیطی^۱ به‌عنوان یکی از سویه‌های امنیت ملی به بررسی تهدیدهای برخاسته از رویدادها و روندهای زیست‌محیطی می‌پردازد که متوجه

1. Environmental safety

افراد، جوامع و ملت‌هاست. کمبود منابع طبیعی، امنیت را به مخاطره می‌اندازد (Kavianirad, 2018: 20-21). پیترهاگت^۲ جغرافی‌دان انگلیسی، ۱۲ عامل جغرافیایی را موجب تنش و درگیری میان کشورهای همسایه دانسته است. به نظر او، شش عامل تنش بر سر منابع آبی عبارت‌اند از: تمایل کشور همسایه محصور در خشکی به عبور از کشور همسایه برای دسترسی به آب‌های آزاد، اختلاف بر سر تفسیر خط تقسیم آب، تغییر مسیر رودخانه مرزی، اختلاف بر سر بهره‌برداری از منابع دریاچه مشترک، ربودن آب در قسمت علیای رود و باروری مصنوعی ابرها (Mokhtarihashi, 2013: 53).

آب به‌عنوان یک عنصر اصلی در حیات انسانی، همواره نقش مهمی در ژئوپلیتیک نظام جهانی و سیاست خارجی دولت‌ها داشته است. بحران کم‌آبی و نبود مدیریت پایدار منابع آبی، عبور رودهای بین‌المللی از مرزهای چندین کشور، دریاچه‌های آب شیرین، منابع آب زیرزمینی و وابستگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به منابع آبی، جایگاه ویژه‌ای به این منبع حیاتی بخشیده تا حدی که می‌تواند به‌صورت بالقوه زمینه همکاری یا منازعه بین کشورهای ذی‌نفع را فراهم کند (Araghchi, 2017: 13). منابع آب مشترک، مانند رودخانه‌ها، دریاها و دریاچه‌های بین‌المللی می‌تواند زمینه همکاری‌های مشترک و انعقاد توافق‌نامه‌های منصفانه و مسالمت‌آمیز را فراهم کند، اما به‌دلیل محدودبودن منابع آب، به‌ویژه در مناطق کم‌آب، زمینه رقابت و منازعه بین دولت‌ها و ملت‌ها تشدید شده است (Karami et al, 2016: 30-31). مصرف آب نسبت به اوایل قرن بیستم، حدود ۱۷ برابر و نسبت به سه قرن پیش، حدود ۴۵ برابر افزایش یافته است. تقاضا برای آب شیرین روندی فزاینده یافته و در پی کاهش شدید منابع، حیات بشری با بحران مواجه شده است (Golkarami & Kavianirad, 2017: 115).

دسترسی به آب شیرین به‌ویژه پس از پایان دوره جنگ سرد و از زمان توسعه برنامه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ که اصطلاح «امنیت انسانی»^۳ رایج شد، در شمار مسائل راهبردی ملی قرار گرفته است. از آن زمان بر شناسایی منابع آب شیرین و ابعاد مختلف امنیت آب، مانند جمعیتی و شهری، بهداشتی، کشاورزی و اقلیمی تأکید و آب به مؤلفه‌های امنیت انسانی افزوده شد. سیاست‌های آبی ترکیه و تأثیر آن بر روابط دوجانبه با عراق و سوریه در حوضه دجله و فرات نشان می‌دهد که آب می‌تواند هم به‌عنوان سلاح و هم به‌عنوان منبع همکاری مورد استفاده قرار گیرد (Oktav, 2017: 239-240).

2. Peter Haggett
3. Human saftey

۵. محدودیت‌های ژئوپلیتیکی عراق در بهره‌برداری از دجله و فرات

دجله و فرات در نزدیکی قرنه در عراق به یکدیگر پیوسته و در نهایت به دریای خلیج فارس سرازیر می‌شوند. ۲۸ درصد حوضه آبریز فرات در ترکیه، ۱۷ درصد در سوریه، ۴۰ درصد در عراق، ۱۵ درصد در عربستان سعودی و تنها ۰،۰۳ درصد آن در اردن واقع شده است. فرات ۳،۰۰۰ کیلومتر طول دارد که ۱،۲۳۰ کیلومتر آن در ترکیه، ۷۱۰ کیلومتر در سوریه و ۱،۰۶۰ کیلومتر در عراق قرار دارد؛ ۶۲ درصد این حوضه آبریز در ترکیه و ۳۸ درصد آن در سوریه قرار دارد. ترکیه ۸۹ درصد و سوریه ۱۱ درصد در جریان فرات نقش دارند. دجله از شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد، طول این رود ۱،۸۵۰ کیلومتر است که ۴۰۰ کیلومتر آن در ترکیه، ۳۲ کیلومتر آن در مرز ترکیه و سوریه و ۱،۴۱۸ کیلومتر در عراق جریان می‌یابد؛ ۱۲ درصد از حوضه آبریز دجله در ترکیه، ۰،۲ درصد در سوریه، ۵۴ درصد در عراق و ۳۴ درصد آن در ایران است؛ ترکیه ۵۱ درصد، عراق ۳۹ درصد و ایران ۱۰ درصد در جریان دجله نقش دارند (جدول ۱) (Hafeznia et al, 2017: 859-860).

جدول ۱. حوضه آبریز دجله و فرات

کشور	رود دجله		رود فرات	
	مساحت از حوضه آبریز (کیلومتر مربع)	درصد از کل حوضه آبریز	مساحت از حوضه آبریز (کیلومتر مربع)	درصد از کل حوضه آبریز
ترکیه	۵۴۱۴۵	۲۴،۵	۱۲۵۰۰۰	۲۸،۲
سوریه	۸۸۴	۰،۴	۷۶۰۰۰	۱۷،۱
عراق	۱۲۳۹۸۱	۵۶،۱	۱۷۷۰۰۰	۳۹،۹
ایران	۴۱۹۹۰	۱۹	-	-
عربستان سعودی، اردن و کویت	-	-	۶۶۰۰۰	۱۴،۹
مجموع	۲۲۱۰۰۰	۱۰۰	۴۴۴۰۰۰	۱۰۰

Source: Mianabadi & Amini, 2019: 59

عراق به دلیل چالش‌های داخلی و خارجی با تهدید جدی کمبود آب مواجه شده است. عواملی مانند مدیریت ضعیف منابع آب، درگیری‌های سیاسی داخلی و روابط ناپایدار با کشورهای همسایه (ترکیه، ایران و سوریه) می‌تواند بر اقتصاد عراق از کشاورزی تا بهداشت عمومی، آسیب جدی

وارد کند. عراق باید توسعه سیاست‌های آبی به منظور کاهش خطرات را در اولویت قرار دهد. این کشور تا حد قابل توجهی به دجله و فرات وابسته است. حدود ۹۰ درصد آب دریافتی عراق از فرات و حدود ۵۰ درصد از دجله سرچشمه می‌گیرد. در پی سقوط امپراتوری عثمانی، ترکیه، عراق و سوریه به‌عنوان کشورهای مستقلی که رودخانه‌های مشترک دارند، تأسیس شدند و زمینه درگیری احتمالی، ایجاد شد (Al-Muqdad et al, 2016: 1096-1097).

عراق محدودیت‌های ژئوپلیتیکی منحصربه‌فردی دارد؛ این کشور در نظریه‌های مکیندر و اسپایکمن^۴ در «هلال داخلی» یا «منطقه ریملند»^۵ و از دیدگاه کوهن^۶ در «منطقه کمربند شکننده» واقع شده است. عراق در نظریه جفری کمپ^۷ در «منطقه بیضی راهبردی انرژی»^۸ (هارتلند جدید)^۹ قرار دارد. محدودیت شدید این کشور در دسترسی به آب‌های آزاد و وضعیت جغرافیایی استثنایی، حاکی از تنگناهای ژئواستراتژیکی عراق است (Nami & Mohammadpour, 2008: 340).

از دهه ۱۹۶۰ و در پی سدسازی‌های گسترده ترکیه بر دجله و فرات، اهرم آب به‌عنوان ابزار اعمال فشار علیه عراق به کار گرفته شده است. قرارگرفتن این کشور در پایین دست حوضه آبریز دجله و فرات، تنگنای ژئوپلیتیکی و عاملی برای تهدید این کشور است (نقشه ۱).



نقشه ۱: محدوده طرح گاب Source: Mehr News Agency, 2020

4. Nicholas John Spykman
5. Rimland
6. Saul Bernard Cohen
7. Geoffrey Kemp
8. Energy strategic oval area
9. New Hartland

۶. مناقشات ترکیه و عراق در حوضه آبریز دجله و فرات

ترکیه و عراق، از ابتدا با مناقشات مختلفی مواجه بوده‌اند؛ برخی مناقشات همچنان ادامه دارد؛ برخی دیگر برآمده از تغییر شرایط و موقعیت این دو کشور است. برای نمونه، ایده شکل‌گیری کردستان بزرگ، از ابتدا محل اختلاف بوده، معاهده سور^{۱۰} زمینه برخی مطالبات قومی برای کردها بوده و مسائل بعدی پکک نیز تابعی از این نوع مسائل است؛ نمونه دیگر، مناقشه بر سر منطقه نفت خیز کرکوک است؛ این منطقه کردنشین برخوردار از منابع نفتی قابل توجه در عراق واقع شده و ترکیه به آن چشم طمع دوخته است. مسئله کردها نیز دیگر عامل ضعف ترکیه در منطقه است. برخی مسائل جدید مانند نفوذ اسرائیل در عراق یا همکاری امنیتی و نظامی ترکیه و اسرائیل، موضوعاتی جدید هستند که دامنه مناقشات را گسترده‌تر کرده است. ارتباط این دو کشور با آمریکا و ناتو، ملاحظات خاصی برای امنیت ملی ایران ایجاد کرده است (Gharayaghzandi & Shakeri, 2014: 68).

ترکیه به دلیل تمایل به گسترش قلمروخواهی سرزمینی و هویتی در چارچوب یک گفتمان ژئوپلیتیک دنبال تعمیق و گسترش هژمونی خود در فضاهای تجزیه‌شده‌ای است که در گذشته جزو قلمروی سرزمینی این کشور و یکی از مهم‌ترین منابع انرژی این واحد جغرافیایی بوده و نوستالژی این قلمروها (عثمانی‌گرایی) در حافظه تاریخی ترک‌ها نقش بسته است. در این زمینه، ترکیه منافعش را با گفتمان‌های هویتی و برندسازی ژئوپلیتیک در فضاهای تجزیه‌شده، پیش می‌برد. در فضای آنارشیک خاورمیانه، ترکیه با استفاده از کارگزاری گروه‌های اسلام‌گرای تندرو به دنبال تحقق نوستالژی خود است. امروزه، خاورمیانه به عرصه نبردهای ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای و کنش حداکثری کارگزاران ژئوپلیتیک و سیستم‌های دو فاکتو^{۱۱} در میدان‌های محاط بر آن‌ها تبدیل شده است. به چالش کشیده شدن توازن ساختارهای ژئوپلیتیکی، تحولات و موج‌های جدید دموگرافیک^{۱۲} در جغرافیای جمعیتی خاورمیانه، تقویت دوقطبی شیعه و سنی و ظهور تعارضات هویتی و جبهه‌گیری‌های جدید ژئوپلیتیکی از پیامدهای فضای جدید است. ترکیه به دنبال تحقق نوستالژی هژمونی طلبی در حوضه آبریز دجله و فرات است (Hatami, 2017: 82).

10. Treaty of Sèvres

11. De facto

12. Demographics

منازعه بر سر آب، منازعه بر سر دستیابی و تسلط بر یک ارزش جغرافیایی است. از منظر منافع ملی، آب نقش حیاتی و راهبردی داشته و دولت‌ها نمی‌توانند به آسانی بر سر آن معامله کنند. از این رو رقابت بر سر منابع آبی مشترک، تنش‌زا و ماندگار است (Mokhtarihashi & Ghaderihajat, 2008: 41). توافق‌نامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نه تنها در زمینه حفظ محیط زیست می‌تواند مؤثر باشد، بلکه زمینه مناسبی برای همکاری‌های کشورهای فراهم می‌کند. تاکنون حدود ۲۸۰ توافق‌نامه بین‌المللی و منطقه‌ای در ارتباط با حفاظت از محیط زیست و مسائل مرتبط با آن منعقد شده است که حدود ۷۰ توافق‌نامه و پروتکل، جنبه جهانی و بقیه موارد جنبه منطقه‌ای دارد (Yazdi & Mobaraghi, 2022: 132).

عراق (در دوره رژیم بعث) با هدف مانور قدرت نظامی و کنترل شیعیان جنوب این کشور و سهولت در جابه‌جایی نیروهای نظامی با اجرای پنج طرح زهکشی، تالاب‌ها را خشکاند؛ سپس نیروهای نظامی این کشور با استفاده از توپخانه، خمپاره و حملات زمینی با هجوم به ساکنان هم‌جوار تالاب‌ها، آن‌ها را به مهاجرت وادار کردند. در پی این اقدامات، حدود دوسوم ورودی آب تالاب‌ها در سال ۱۹۹۳ کاهش یافت و تا سال ۲۰۰۰، به کمتر از ۱۰ درصد رسید. از این رو، جنگ و درگیری‌های نظامی در شکل‌گیری و تشدید گردوغبار در منطقه اثرگذار بوده است. مدیریت ناکارآمد منابع آبی، تغییر مسیر آب‌های سطحی، ساخت سد و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی، خشکی تالاب‌ها و دشت‌ها را در پی دارد. تخریب تالاب‌های واقع در هور مرکزی، هورالحمار و به‌ویژه هورالعظیم در بخش عراقی آن، از عوامل اصلی ایجاد و انتقال گردوغبار است (Hafeznia et al, 2017: 865).

دجله و فرات در منطقه‌ای بین دو اقلیم مرطوب و بیابانی واقع شده‌اند؛ منبع اصلی هر دو رودخانه، باران و برف‌های ذوب‌شده کوه‌های جنوب شرق ترکیه است. متوسط آورد سالانه فرات در مرز ترکیه و سوریه، حدود ۳۰ میلیارد متر مکعب است که به دلیل اقدامات و فعالیت‌هایی مانند اجرای طرح‌های آبی، به‌ویژه طرح‌های سدسازی، روند کاهشی یافته و در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۰ به سالانه حدود ۲۵ میلیارد متر مکعب رسیده است. متوسط آورد سالانه دجله، حدود ۵۰ میلیارد متر مکعب است که در شرایط طبیعی، حدود ۲۱ میلیارد متر مکعب آن از ترکیه به عراق سرازیر می‌شود. در برخی منابع، متوسط آورد سالانه فرات، حدود ۳۷ میلیارد متر مکعب و متوسط آورد سالانه دجله، حدود ۵۷ میلیارد متر مکعب اعلام شده است (Mianabadi & Amini, 2019: 59-60).



نقشه ۲. موقعیت تقریبی سدهای ساخته شده ترکیه، سوریه و عراق بر دجله و فرات (Source: RaziPress.ir, 2020)

مناقشه بر سر بهره‌برداری از دجله و فرات، زمینه تنش و درگیری بین کشورهای ذی‌نفع به‌ویژه عراق و ترکیه را ایجاد کرده است (نقشه ۲). با تکمیل طرح گپ، حدود ۹۰ درصد سهم عراق و حدود ۴۰ درصد سهم سوریه از فرات کاهش می‌یابد (Nami & Mohammadpour, 2008: 336).

جدول ۲. ظرفیت سدها و سازه‌های ساخته شده و در حال ساخت سه کشور ساحلی دجله و فرات (میلیارد مترمکعب)

نام رودخانه	ترکیه		سوریه		عراق	
	ظرفیت ذخیره	درصد از متوسط آورد سالانه	ظرفیت ذخیره	درصد از متوسط آورد سالانه	ظرفیت ذخیره	درصد از متوسط آورد سالانه
حوضه فرات	۱۷،۶	۳۵	۱،۵	۳	۱۳۰	۲۶۰
حوضه دجله	۹۸	۳۲۵	۱۷،۷	۵۹	۳۷،۶	۱۲۵
مجموع	۱۱۵،۶	۱۴۵	۱۹،۲	۲۵	۱۶۷،۶	۲۱۰

Source: Mianabadi & Amini, 2019: 76

ظرفیت سدها و سازه‌های ساخته‌شده و در حال ساخت سه کشور ساحلی بر فرات، بیش از سه برابر متوسط آورد سالانه این رود و بر دجله، حدود پنج برابر متوسط آورد سالانه این رود است (جدول ۲). در حالی که حدود ۸۹ درصد جریان فرات از ترکیه سرچشمه می‌گیرد، این کشور با سدسازی‌های گسترده، توانسته است بیش از متوسط آورد سالانه این رود را پشت سدهای ساخته شده ذخیره کند؛ ظرفیت ذخیره سدها و سازه‌های ترکیه بر دجله نیز حدود ۱۷،۶ میلیارد متر مکعب است؛ در حالی که متوسط جریان سالانه این رود در نزدیکی مرز ترکیه و عراق، حدود ۱۶،۸ میلیارد متر مکعب است (Mianabadi & Amini, 2019: 77).



نقشه ۳. پیامدهای اجرای طرح گپ برای عراق و سوریه

Source: Organization of the Islamic Republic of Iran, 2020

ترکیه با برخورداری از موقعیت بالادست رودخانه‌ای و تقویت قدرت اقتصادی و نظامی و ایفای نقش هژمون آبی در حوضه دجله و فرات، توان تأثیرگذاری بر مناسبات قدرت و مذاکرات میان طرفین را به نفع خود افزایش داده است (Kibaroglu, 2017: 10). همچنین به دلیل قرارگرفتن در موقعیت سرچشمه‌ای رودهای دجله و فرات و برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی، اقتصادی و نظامی برتر نسبت به کشورهای پایین‌دست، به‌ویژه عراق و سوریه که بیشترین تأثیرپذیری از رودهای یادشده را دارند، طرح ساخت سدهای بزرگ بر رودهای دجله و فرات را اجرایی کرده است (نقشه ۳). سدسازی‌های ترکیه بر این رودها، عراق را با تهدید مواجه کرده است (Harris & Alatout, 2010: 153). در خاورمیانه، ژئوپلیتیک و راهبردهای خارجی، امنیتی و دفاعی آب،

سیاسی بوده و از سوی تروریست‌ها به‌عنوان ابزار و سلاحی نظامی به کار گرفته شده است. تهدیدهای نوظهور امنیتی قابل توجهی در خاورمیانه وجود دارد و آب در این منطقه از منظر منافع ملی، عنصر بسیار مهمی تلقی می‌شود. دجله و فرات مانند ۴۵۰۰ سال پیش، نقطه کانونی است. توافق بر سر بهره‌برداری از رودهای دوقلو (دجله و فرات) برای حفظ ساختار امنیت جهانی ضروری است (Krzymowski, 2019: 319-320).

شکاف‌های قومی و مذهبی در پیوند با شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه فعال‌شدن گسل‌های تاریخی، قومی، مذهبی و قبیله‌ای که در پی تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بروز کرد، محیط مناسبی برای گروه‌های مسلح ستیزه‌جو برای تقابل با حکومت مرکزی ایجاد کرد. ساختار اجتماعی عراق مانند بیشتر کشورهای غرب آسیا، موزائیکی و متشکل از گروه‌های قومی و فرقه‌ای متنوع است (Haqqarast et al: 2023: 26). کشورهای ذی‌نفع از دجله و فرات، مطابق با پیشینه و منافع خود، تصورات و بازنمایی‌های اجتماعی و طبیعی متنوعی را بر می‌سازند و ائتلاف چندبازیگری و چند مقیاسی را برای توجیه یا وجاهت‌زدایی از موضوع ساخت سد ایلیسو ایجاد کرده‌اند. مخالفان ساخت سد ایلیسو نتوانستند به اهداف خود دست یابند، اما نتوانستند چندین نهاد و سازمان را درگیر بحث و گفت‌وگو درباره این سد کنند و گفتمان‌های مسلط دولت ترکیه را به چالش بکشند (Hommes, 2016: 18).

طرح گپ، مناقشات داخلی در مورد تخریب محیط‌زیست و غرق شدن مکان‌های تاریخی و جابه‌جایی مردم محلی در منطقه را ایجاد کرده، مناقشات منطقه‌ای در مورد مسئله کردها را برانگیخته، گفتمان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و زمینه شکل‌گیری بحث‌هایی در مورد حل مناقشات در موضوع تقسیم آب و تشدید تنش بین ترکیه، عراق و سوریه (سه کشور ساحلی دجله و فرات) را نیز فراهم کرده است (نقشه ۳) (Bilgen, 2018: 2). کشورهای حوضه دجله و فرات، برای جلوگیری از جنگ، باید از درگیری بر سر آب‌های مشترک مرزی اجتناب کنند. این کشورها در گذشته، زمان‌های پرتنشی را تجربه کرده و ممکن است در آینده نیز چنین تنش‌هایی رخ دهد؛ آن‌ها باید اختلاف را برای همیشه حل کنند (Khalid, 2020: 6).

با در نظر گرفتن ابعاد پنج‌گانه نظریه بوزان، امنیت ترکیه در ابعاد مختلف پس از سدسازی‌های گسترده بر سرشاخه‌های اصلی دجله و فرات در برابر عراق تقویت شده است. براساس نظریه هومر دیکسون، امنیت زیست‌محیطی کشورهای پایین دست دجله و فرات در پی سدسازی‌های

ترکیه به خطر افتاده است. بر مبنای نظریهٔ مکنندر، ترکیه با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی به وسیلهٔ سدسازی‌های گسترده به کنترل دجله و فرات که منبع تولید قدرت و برخوردار از نقش و اهمیت حیاتی و راهبردی در منطقه و کشورهای تأثیرپذیر به شمار می‌آیند، اقدام کرده و نقش هیدروهمز مونی ایفا کرده است. بر پایهٔ نظریهٔ راتزل، قدرت ملی و منطقه‌ای و فضای حیاتی ترکیه در پی کنترل حداکثری جریان دجله و فرات در برابر عراق افزایش یافته است (شکل ۱).

۷. آب، محیط زیست و امنیت در عراق

جمعیت چهار کشور اصلی حوضهٔ دجله و فرات (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) به ۲۲,۱۵۳,۰۰۰ نفر افزایش یافته است. پیش‌بینی می‌شود جمعیت کشورهای یادشده حدود ۱۰ درصد در سال ۲۰۲۵ و حدود ۳۷ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد. بنابراین تخصیص سرانهٔ آب نیز کاهش می‌یابد؛ در حال حاضر، سرانهٔ تخصیص آب در حوضهٔ دجله و فرات، حدود ۹,۷۵۳ متر مکعب است و پیش‌بینی می‌شود در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰ به ترتیب به ۸,۸۷۶ و ۷,۰۹۲ متر مکعب کاهش یابد (Al-Ansari et al, 2018: 194). در پی ساخت سد آتاتورک، درگیری‌های قومی و قبیله‌ای بر سر آب در عراق بروز کرد، بیابان‌زایی گسترش یافت و حدود ۶۷۰ هزار هکتار مزارع کشاورزی این کشور، قابلیت کشت خود را از دست داد. در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰، حدود ۱۱۴ کیلومتر مکعب از جریان طبیعی رودهای دجله و فرات کاسته شده است. خشکسالی‌های پی‌پی، تأثیرات مستقیمی بر محیط‌زیست، جریان ریزگردها و اراضی کشاورزی در بخش‌های وسیعی از خاورمیانه برجای گذاشته است. امروزه، جایگاه منابع و محیط‌زیست در جوامع بشری تا حدی اهمیت یافته است که برخی از آن به «ژئوپلیتیک زیست‌محیطی»^{۱۳} تعبیر کرده‌اند (Dodds & Atkinson, 2000:360).

۸. پیامدهای طرح گپ بر منطقه و کشورهای تأثیرپذیر

طی چند دههٔ اخیر، طرح گپ به تضعیف و تخریب عناصر زیست‌محیطی مانند آلودگی آب، نابودی گونه‌های کمیاب جانوری و گیاهی، بیابان‌زایی، شورشدن و فرسایش خاک، خشک‌شدن رودها، دریاچه‌ها، حوضچه‌ها و تالاب‌ها و آلودگی هوا در پی تشکیل کانون‌های ایجاد گردوغبار و ریزگرد در عراق و سوریه منجر شده است (Asadollahi & Zaki, 2020: 1). سدسازی‌های ترکیه، از مهم‌ترین عوامل کاهش جریان دجله، فرات، اروند و آلوده‌شده دریای

13. Environmental geopolitics

خلیج فارس است. این سدسازی‌ها در خشک‌شدن بخش‌های وسیعی از تالاب‌های میان‌رودان از جمله تالاب بزرگ هورالعظیم نقش پررنگی داشته و بخش‌های وسیعی از خاورمیانه، از جمله نواحی غرب و جنوب غرب ایران را با فاجعه‌ای زیست‌محیطی مواجه کرده است. در صورت بهره‌برداری از سد ایلیسو، جریان دجله به عراق حدود ۵۶ درصد کاهش می‌یابد و معضلات زیست‌محیطی در منطقه، تشدید می‌شود (Ghaemmaghmi, 2017: 116).

ترکیه با کاربست سیاست سدسازی‌های گسترده، کشورهای پایین‌دست دجله و فرات را زیر فشار قرار داده و در پی تثبیت و تقویت قدرت خود به‌عنوان هیدروهمژمون منطقه است. این کشور پیشنهاد آب در برابر نفت را مطرح کرده است (Asadollahi & Zaki, 2020: 8). دجله و فرات پس از عبور از عراق به خلیج فارس می‌ریزند. سدسازی‌های گسترده بر این رودها به کمبود آب و تغییرات زیست‌محیطی قابل توجهی در بخش‌های وسیعی از خاورمیانه منجر شده و در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، حساسیت‌های قابل توجهی را برانگیخته است. در سال‌های آینده ممکن است بر سر حقایق بین کشورهای ذی‌نفع درگیری نظامی رخ دهد (Farhadi, 2020: 187).

توفان‌های وسیع با خاستگاه صحرای ربع‌الخالی (صحرائی در مرز ایران، عراق و کویت به وسعت ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع با پوششی از خاک رس) سواحل دریای سرخ، تالاب‌ها و باتلاق‌های خشک‌شده مانند تالاب هورالعظیم، آل جسره و هورالحمار در عراق، به‌عنوان عوامل زمین‌شناختی ایجاد گردوغبار و ریزگرد شناسایی شده‌اند. منطقه آل جسره، در نزدیکی بغداد بین دجله و فرات قرار دارد و از گذشته‌های دور، خاستگاه تالاب‌ها و دریاچه‌های متعددی بوده است. کاهش جریان فرات به عراق، افزون بر عواملی مانند خشکسالی‌های پی‌پایی و کاهش درصد رطوبت و عوامل انسانی مانند سدسازی‌های کشورهای بالادست (ترکیه و سوریه) ساخت چندین سد بر دجله از سوی ترکیه و استفاده بی‌رویه عراقی‌ها از رودها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها برای مصارف کشاورزی به خشک‌شدن دریاچه‌ها و تالاب‌های منطقه به‌ویژه آل جسره منجر شده است (Navari, 2018: 225).

ترکیب سه عامل تخریب زیست‌محیطی، رشد جمعیت و توزیع اجتماعی نابرابر منابع در پی کمبود و تغییر قابل توجه منابع زیست‌محیطی، پس از اجرای طرح گپ، پیامدهای زیان‌بار و گسترده آن در منطقه و کشورهای تأثیرپذیر به‌ویژه عراق نمایان شد. عناصر زیست‌محیطی، ماهیتی فرامرزی دارند؛ ازاین‌رو مدیریت و کنترل چالش‌ها، نیازمند همکاری‌های دوجانبه،

منطقه‌ای و بین‌المللی است. امنیت زیست‌محیطی با امنیت آبی، امنیت غذایی، امنیت شغلی، توسعه پایدار اقتصادی و در بعد کلان با منافع و امنیت ملی کشورها و قدرت دولت‌ها در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط است. سدسازی‌های ترکیه، موقعیت ژئوپلیتیکی، نقش هیدروژمونی^{۱۴} و قدرت این کشور در منطقه و کشورهای تأثیرپذیر از دجله و فرات به‌ویژه در برابر عراق را تقویت کرده است.

۹. نتیجه

امنیت ملی عراق به‌دلیل وابستگی شدید به دجله و فرات و قرارگرفتن در پایین دست این حوضه آبریز در پی سدسازی‌های بی‌رویه ترکیه به‌دلیل بروز تهدیدهای گسترده به خطر افتاده است. تهدیدهای ایجادشده در ترکیب با عواملی مانند کاهش بارش در پی تغییرات اقلیمی، نابودی پوشش گیاهی و جنگلی، فرسایش خاک در پی کاهش رطوبت، آلودگی هوا در پی تغییر و تخریب عناصر زیست‌محیطی، پیامدهای ویران‌گر سه جنگ در چهار دهه اخیر، بهره‌برداری‌های بی‌رویه عراقی‌ها از رودها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها در بخش‌های کشاورزی، صنعتی و شهری، آلودگی منابع آبی و فرسودگی شبکه ذخیره و انتقال آب، روند نابودی اکوسیستم‌های طبیعی و تخریب عناصر زیست‌محیطی این کشور، تسریع و تشدید شده و سلامت، معیشت و امنیت ساکنان نواحی تأثیرپذیر با تهدید و چالش مواجه شده است. به بیان دیگر، تهدیدهای زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی ایجادشده در پی سدسازی‌های ترکیه، عراق را با تهدید وجودی مواجه کرده است.

طرح گپ، ترکیه را قادر ساخته بیش از متوسط آورد سالانه دجله و فرات در خاک این کشور را کنترل کند. در سال‌های اخیر، جریان فرات به عراق حدود ۹۰ درصد کاهش یافته است. در صورت بهره‌برداری کامل ترکیه از ظرفیت سد ایلیسو، جریان دجله به عراق حدود ۵۶ درصد کاهش می‌یابد و تالاب بزرگ هورالعظیم بیش از پیش کارکردهای خود را از دست می‌دهد و کانون‌های ایجاد و انتقال ریزگرد گسترش می‌یابند. طرح گپ به نابودی صدها هزار هکتار زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی و پوشش گیاهی و جنگلی، از بین رفتن آثار و بناهای باارزش تاریخی و فرهنگی، اختلال شدید در فعالیت‌های صنعتی، کاهش دامپروری و نابودی ماهیگیری در پی تخریب شیلات و در مجموع، تخریب گسترده عناصر زیست‌محیطی منطقه و کشورهای

تأثیرپذیر به‌ویژه عراق منجر شده است. ترکیه با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی و با ساخت ۱۴ سد بزرگ بر فرات و ۸ سد بزرگ بر دجله، سیاست‌های مبتنی بر هژمونی طلبی منطقه‌ای را با کنترل سرشاخه‌های دجله و فرات که منبع تولید قدرت و برخوردار از نقش و اهمیت حیاتی و راهبردی در منطقه و کشورهای تأثیرپذیر به‌شمار می‌آیند، اجرایی کرده است؛ این وضعیت، عراق را با تهدیدهای گسترده مواجه کرده است.

با در نظر گرفتن ابعاد پنج‌گانه نظریه بوزان، امنیت ترکیه پس از سدسازی‌های بی‌رویه بر سرشاخه‌های دجله و فرات در برابر کشورهای تأثیرپذیر به‌ویژه عراق در ابعاد مختلف تقویت شده است. براساس نظریه هومر دیکسون، امنیت زیست‌محیطی کشورهای پایین دست دجله و فرات در پی سدسازی‌های بی‌رویه ترکیه به خطر افتاده است و احتمال تبدیل مناقشات به منازعات خشونت‌آمیز کشورهای ذی‌نفع با ترکیه، بین یکدیگر و به‌ویژه عراق و ترکیه در صورت عدم تفاهم، توافق و تعامل سازنده بر سر شیوه و میزان بهره‌برداری از رودهای یاد شده تقویت شده است. بر مبنای نظریه مکیندر، ترکیه با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور با سدسازی‌های گسترده به کنترل دجله و فرات که منبع تولید قدرت و برخوردار از نقش و اهمیت حیاتی و راهبردی در عرصه منطقه‌ای به‌شمار می‌آیند، اقدام کرده و نقش هیدروژمونی داشته است. از این‌رو هدف هژمونی طلبی این کشور در منطقه و کشورهای تأثیرپذیر از این رودها به‌ویژه در برابر عراق تا حد قابل توجهی محقق شده است.

با توجه به نظریه راتزل، قدرت ملی و منطقه‌ای و فضای حیاتی ترکیه در پی کنترل جریان دجله و فرات در برابر کشورهای تأثیرپذیر به‌ویژه عراق افزایش یافته است. سدسازی‌های ترکیه که از زمان تأسیس عراق، جریان حیاتی این کشور بوده‌اند، تهدید وجودی است و مطالبه حقا به طبیعی، تاریخی و قانونی عراق در راستای حفظ بقا، مدیریت و کاهش پیامدهای زیان‌بار این تهدید است که تدابیر اضطراری سیاست‌گذاران این کشور را اجتناب‌ناپذیر کرده است. برای تأمین امنیت ملی عراق، استفاده از ظرفیت‌های داخلی این کشور، کشورهای منطقه، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر و حقوق محیط زیست و سازمان ملل متحد مفید و مؤثر است.

References

- Al-Ansari, Nadhir; Adamo, Nasrat; Knutsson, Sven; Laue, Jan (2018). Geopolitics of the Tigris and Euphrates Basins, *Journal of Earth Sciences and Geotechnical Engineering*, Vol.8, No.3. PP187-222.
- Al- Mugdadi, Sameh W, ;Mohammed F;;Alice Naghahin, Shineh (2016). "Dispute over Water Resource Management-Iraq and Turkey", *Journal of Environmental Protection*, Vol.7, No.8. PP 1096- 1103. (DOI: 10.4236/jep.2016.78098).
- Analytical news base of Razi University (2020). Investigating Iran's water rights from the border rivers shared with Turkey in the west of the country and the effects of the Turkish Gap project on Iran and the countries of the region, <http://razipress.ir/News/Item/30476>. [In Persian]
- Applied research center of the overseas deputy of the Broadcasting Organization of the Islamic Republic of Iran (2020). *Hydropolitics of Türkiye (3) The consequences of implementing the GAP project for Iraq and Syria*, <http://arc.irib.ir>. [In Persian]
- Araghchi, Abbas (2017). *The diplomacy of transboundary waters and the international system*, Tehran, Center for Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs, [In Persian]
- Asadollahi, Seyed Soroush; Zaki, Yashar (2020). *Hydropolitics of the Turkish Gap project and its impact on the environmental security of Iraq and Syria: Space Political Analysis Quarterly*, Vol.3, No.1.PP 1-10. [In Persian]
- Bilgen, Arda (2018). "Turkey's Southeastern Anatolia Project (GAP): a qualitative review of the literature", *British Journal of Middle Eastern Studies*, (DOI:10.1080/ 13530194. 2018. 1549978).
- Bozan, Bari (2018). *People, governments and fear*, Tehran, Publications of the Research Institute of Strategic Studies. [In Persian]
- Dodds, Klaus; Atkinson, David (2000). *Geopolitical traditions: A century of geopolitical thought*. [In Persian]

- Farhadi, Ali (2020). Impact of Anatolian Southeast Turkey Strategic Plan (GAP) on Security of the Islamic Republic of Iran, Scientific quarterly journal of national security, Vol.10, No.38. PP 185-216. [In Persian]
- Ghaemmaghani, Seyed Ali (2017). Türkiye's water crisis and transboundary waters and Iran's national security and environment, Quarterly Journal of National Interest Studies, Vol.2, No.7. PP 97-117. [In Persian]
- Gharayagh Zandi, Davoud; Shakeri, Asghar (2014). The impact of strategic issues in Türkiye-Iraq relations on the national security considerations of the Islamic Republic of Iran, Security Research Quarterly, Vol.13, No.45. PP 67-87. [In Persian]
- Gol Karami, Abed; Kaviani Rad, Morad (2017). The effect of water resource limitation on hydropolitical tensions: Case example: the central watershed of Iran with an emphasis on the Zayandehroud watershed, Quarterly Journal of Geography and Environmental Planning, Vol.28, No.1. PP 113-133. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammad Reza (2007). A new concept of Heartland, Geopolitics Quarterly, Vol.3, No.2. PP 1-5. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammad Reza (2014). A new approach to the history of the origin and founder of political geography in the world, Geopolitics Quarterly, Vol.10, No.1. PP1-36. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammad Reza; Taheri, Ahmad; Farajzadeh Asl, Manochehr; Karami nejad, Hossein (2017). The effect of political factors in intensifying the phenomenon of dust in the Tigris and Euphrates river basins, Human Geography Research Quarterly, Vol.49, No.4. PP 857-868. [In Persian]
- Haqqarast, Saeed; Valipour Ateeq, Tawheed; Nasiri Hamed, Reza (2023). Obstacles and challenges influencing the political underdevelopment of Iraq after the overthrow of the Baath party, Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol.5, No.17. PP 25-48. [In Persian]

- Harris, Leila M; Alatout, Samer (2010). "Negotiating hydro-scales. Forging States: Comparison of the Tigris/Euphrates and Jordan River basins", *Political Geography*, (DOI: 10.1016/j.polgeo.2010.02.012).
- Hatami, Mohammad Reza (2017). Türkiye's geopolitical discourse in the fragmented spaces of the Middle East, *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, Vol.7, No.2. PP 81-106. [In Persian]
- Homer-Dixon T(1994). *Environmental Scarcities and Violent Conflict: Evidence from Cases*, *International Security*, Vol.19, No.1. PP 5-40.
- Hombres, Lena; Boelens, Rutgerd; Maat, Harro (2016). Contested hydrosocial territories and disputed water governance: Struggles and competing claims over the Ilisu Dam development in southeastern Turkey. *Geoforum*, Vol.71, PP 9-20.
- Karami, Afshin; Hasan Zadeh, Javad; Pishgahi Fard, Zahra (2016). The influence of hydropolitics on the relations between Iraq and Türkiye with emphasis on Tigris and Euphrates, *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, Vol.5, No.17. PP 29-51. [In Persian]
- Kaviani Rad, Morad (2018). *Iranian environmental security*, Tehran, Institute of Strategic Studies Research.[In Persian]
- Kaviani Rad, Morad; Buoy, Chamran (2012). The place of the concept of vital space in the formation of Iraqi foreign policy, *Geopolitical Quarterly*, Vol.8, No.1. PP 112-134. [In Persian]
- Khalid, Mohammed (2020). "Geopolitics of Water Conflict in West Asia: The TigrisEuphrates Basin", *FINS Journal of Diplomacy & Strategy*, Vol.4, Issue 1. PP 1-7.
- Kibaroglu, Aysegul (2017). "State-of-the-art review of transboundary water governance in the Euphrates-Tigris river basin". *International journal of Water Resources Development*, Vol.35, Issue 1. PP 4-29.
- Krzymowski, Adam (2019). "Water as a Weapon of War in the Tigris-Euphrates Basin". *Przegląd Strategiczny* (DOI:10.14746/ps.2019.1.20).

- Mehr news agency, Türkiye has turned the Euphrates into a small stream, 2020, <https://www.mehrnews.com/news/4966603>. [In Persian]
- Mian Abadi, Hojjat; Amini, Azam (2019). In the interweaving of water, politics and environment in the Tigris and Euphrates watershed, Geopolitics Quarterly, Vol.15, No.2. PP 54-86.[In Persian]
- Mokhtari Hashi, Hossein (2013). Iran's hydropolitics; The geography of the water crisis on the horizon of 1404, Geopolitics Quarterly, Vol.9, No.3. PP 49-83.[In Persian]
- Mokhtari Hashi, Hossein; Ghaderi Hajat, Mostfa (2008). Hydropolitics of the Middle East in the horizon of 2025, case study: Tigris and Euphrates basins, Jordan River and Nile River, Geopolitics Quarterly, Vol.4, No.11. PP 36-74.[In Persian]
- Nami, Mohammad Hassan; Mohammad Pour, Ali (2008). Geography of Iraq with emphasis on geopolitical issues, Tehran, Geographical organization of the armed forces. [In Persian]
- Navari, Ali (2018). The construction and operation of Ilisu Dam in Turkey and the phenomenon of fine dust in Iran: the priority of principles related to international environmental law, Journal of legal studies, Vol.10, No.4. PP 219-261.[In Persian]
- Oktav, Ozden (2017). Turkey's water policy in the Euphrates-Tigris basin. Environmental change and human security in Africa and the Middle East, (DOI:10.1007/978-3-319-45648-5-13).
- Rahimi Ashtiani, Delilah (2018). Water Crisis and Future of Security in Middle East (Case Study: Iran, Turkey, and Israel), Master's thesis, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. [In Persian]
- Yazdi, Mohammad; Mobaraghi, Naghmeh (2022). International and regional environmental conventions pave the way for Iran's interaction with its neighbors, Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol.3, No.10. PP 132-149. [In Persian]